

# بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج

## البلاغه

هادی نهادی<sup>۱</sup>

جواد سیاهکالی مرادی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این پژوهش به تبیین و بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی اسلامی از منظر حضرت علی که حکمرانی شایسته نامیده شده است، پرداخته شد. از همین رو ابتدا با استفاده از ادبیات پژوهش به بررسی مفهوم حکمرانی خوب و شاخص‌های آن از منظر بانک جهانی پرداخته شد. سپس حکمرانی اسلامی و شاخص‌های آن نیز شناسایی شد. در نهایت مقایسه‌ای بین شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه صورت گرفت و نمودار راداری عملکرد حکمرانی خوب و شایسته از در هر پنج شاخص ارائه شد. بر اساس نتایج به دست آمده، بیشترین افتراق بین دو نوع حکمرانی در پاسخگویی است. همچنین در مبارزه با فساد نیز بین دو نوع حکمرانی اختلاف عمده‌ای وجود دارد. اما در شفافیت و قانون‌گرایی اختلاف کمتری بین دو نوع حکمرانی وجود دارد. در نهایت نیز بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی به مسئولان کشور ارائه گردید.

**لغات کلیدی:** حکمرانی خوب، حکمرانی اسلامی، نهج البلاغه، شاخص‌های حکمرانی

### مقدمه

حکمرانی روشی است که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۸). بر اساس این تعریف، رویکرد حکمرانی توسط

<sup>۱</sup> دکترای مدیریت دولتی، نویسنده مسئول (Hadi.Nahadi@Gmail.com)

<sup>۲</sup> دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تهران، پردیس فارابی

دولت‌ها، بیشتر متمرکز بر یک نگاه اقتصادی است زیرا حتی به پدیده جامعه نیز با لفظ «اجتماعی» اشاره شده است که نشان دهنده حاکمیت روح اقتصادی بر مقوله حکمرانی است. بر همین اساس حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی پیش روی کشورهای جهان سوم ترسیم کرده اند و حرکت روی این نقشه، تأمین کننده منافع کشورهای مسلط است. براین اساس، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، که توسط نهادهای بین‌المللی تعریف و تبیین شده است، نمی‌تواند الگو و برنامه‌ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای اسلامی، باشد. زیرا اولاً، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن مبتنی بر جهان بینی مادی است، و ثانیاً، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهانی پیرامون بوده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

بر خلاف نگرش‌های رایج در تاریخ حیات جامعه بشری که حاکمان مختلف، زمامداری و حکومت بر مردم را اغلب فرصتی برای اعمال قدرت خود و تسلط بر دیگران دیده‌اند و از آن لذت برده یا برای حفظ و تداوم آن مرتکب خشن‌ترین و غیر انسانی‌ترین رفتارها شده‌اند، در نگاه حضرت علی (ع) حکمرانی بر مردم اگر در جهت اقامه حق و عدل و دفع ظلم و ستم و بی‌عدالتی نباشد هیچ ارزشی ندارد. کلام صریح ایشان در این مورد قابل توجه است: « وَ اللَّهُ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أُمَّرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا » (به خدا سوگند این کفش پاره در نظر من از حکومت بر شما محبوبتر است، مگر اینکه بتوانم حقی را اقامه و باطلی را دفع کنم).

این نوع نگاه به حکمرانی و دولتمردی، تفاوت‌های ریشه‌ای با رویکرد حکمرانی خوب امپراتوری‌های اقتصادی جهان دارد. حکمرانی مدنظر حضرت علی (ع) که در این پژوهش از آن با عنوان حکمرانی شایسته نام برده شده است، انسانیت و وجدان در حکمرانی را در خود نهفته دارد. آنچه حلقه مفقوده انواع حکمرانی در دنیای متلاطم امروز است. در این پژوهش به شناسایی و ساختاردهی شاخص‌های حکمرانی شایسته از منظر امام علی (ع) پرداخته شده است.

به همین منظور ابتدا به بررسی مفاهیم و نظریه‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته و شاخص‌های هر یک پرداخته شده و پس از آن با استفاده از مدل ساختاردهی مدلسازی ساختاری تفسیری به ساختاردهی روابط بین شاخص‌های شناسایی شده پرداخته شده است.

### حکمرانی خوب

موضوع حکمرانی خوب در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است. از سال‌های ۱۹۹۰ به بعد حکمرانی خوب، به مثابه ابزاری برای توسعه پایدار و فقرزدایی، رواج گسترده‌ای یافت، و به طور کامل وارد سیاست‌های سازمان‌های توسعه‌گرا (به ویژه IMF و OECD) و حکومت‌های غربی گردید (Weiss, ۲۰۰۰; Patomaki, ۱۹۹۹; Leftwich, ۱۹۹۳; Woods, ۲۰۰۰). در جهان متحول امروز، نقش دولت نیز متحول و مسئولیت آن متفاوت خواهد بود، دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنان بایستی با افزایش قابلیت‌های خود از طریق بازدمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. این مهم نیازمند الگوهای جدیدی است که به توان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود، تا تولید و ارائه خدمات عمومی را حداکثر ساخت. الگوی حکمرانی خوب می‌تواند نظریه‌ای نوین در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت‌های جدید باشد. الگویی که می‌تواند راه برون رفت از وضعیت فعلی و روشی برای ارائه خدمات عمومی بهتر باشد. به طور کلی می‌توان گفت حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و ...) منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در سطح اجرایی و به منظور پیاده‌سازی و توسعه شاخ‌های حکمرانی خوب، نیاز به سطح بندی شاخص‌ها وجود دارد زیرا مشخصاً همه شاخص‌ها به یک اندازه نمی‌توانند موجب توسعه حکمرانی خوب شوند و بهبود تاثیرگذارترین شاخص‌ها می‌تواند به صورت دومینویی، سایر شاخص‌ها را نیز بهبود ببخشد (آهنی و همکاران، ۱۳۹۸).

بانک جهانی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر برای اولین بار در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرده، حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام

<sup>۱</sup>. World Bank

اداری پاسخگو تعریف کرده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup> حکمرانی خوب را توانایی کار با محیط‌های مختلف برای دستیابی به تعادل در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی می‌داند (OECD, ۲۰۰۲). در برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را محقق و تعهدات خود را برآورده می‌سازند (UNDP, ۲۰۰۰). شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب از منظر برنامه توسعه سازمان ملل<sup>۲</sup>، عبارتند از: حاکمیت قانون<sup>۳</sup>، شفافیت<sup>۴</sup>، مسئولیت‌پذیری<sup>۵</sup>، اجماع‌مداری<sup>۶</sup>، عدالت<sup>۷</sup>، اثربخشی و کارایی<sup>۸</sup>، پاسخگویی<sup>۹</sup>، دیدگاه استراتژیک<sup>۱۰</sup> و مشارکت<sup>۱۱</sup>، می‌باشد (UNDP, ۱۹۹۷). بانک جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) شاخص‌های حکمرانی خوب را مبتنی بر شش اصل، تعریف کرده است، که بدین شرح می‌باشد: کنترل فساد<sup>۲</sup>؛ اثربخشی دولت<sup>۳</sup>؛ ثبات سیاسی (فقدان خشونت)<sup>۴</sup>؛ کیفیت قوانین و مقررات<sup>۵</sup>؛ حاکمیت قانون<sup>۶</sup>؛ حق اظهار نظر و پاسخگویی<sup>۷</sup>؛ (Kaufmann & Kraay, ۲۰۱۷). کافمن، کری و مستروزی<sup>۱۲</sup> معتقدند حکمرانی خوب دارای ابعادی از قبیل پاسخگویی و حق اظهار نظر برای شهروندان، قانون‌مداری، حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی، مساوات طلبی، شفافیت و مسئول بودن است (Kaufman, ۲۰۱۰). (Kraay & Mastruzzi, ۲۰۱۰).

### شاخص‌های حکمرانی خوب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

<sup>۲</sup>. United Nations Development Programme (UNDP)

<sup>۳</sup>. Rule of Law

<sup>۴</sup>. Transparency

<sup>۵</sup>. Responsiveness

<sup>۶</sup>. Consensus Orientation

<sup>۷</sup>. Fairness

<sup>۸</sup>. Effectiveness and Efficiency

<sup>۹</sup>. Accountability

<sup>۱۰</sup>. Strategic Vision

<sup>۱۱</sup>. Participation

<sup>۱۲</sup>. Daniel Kaufmann, Aart Kraay & Massimo Mastruzzi

هاتر و شاه<sup>۱</sup> برای حکمرانی خوب، گروهی دیگر از شاخص‌ها را مد نظر قرار دادند که عبارتند از؛ مشارکت شهروندان<sup>۲</sup>، دولت محوری<sup>۳</sup>، توسعه اجتماعی<sup>۴</sup> و مدیریت اقتصادی<sup>۵</sup> را معرفی نموده است. در جدول ذیل ذکر شده است (Huther & Shah, ۲۰۰۰).

جدول ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب

| نام شاخص                | شاخص‌های جزء (کارکردها)                                       |
|-------------------------|---|
| ۱. مشارکت شهروندان (CP) | آزادی سیاسی<br>پایداری سیاسی                                  |
| ۲. دولت محوری (GO)      | کارایی قضایی<br>کارایی اداری<br>فساد پایین                    |
| ۳. توسعه اجتماعی (SD)   | توسعه انسانی<br>توزیع عادلانه                                 |
| ۴. مدیریت اقتصادی (EM)  | توجه به بیرون<br>استقلال بانک مرکزی<br>میزان بدهی نسبت به GDP |

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. Huther & Shah

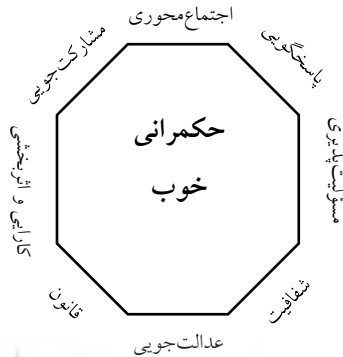
<sup>۲</sup>. Citizen participation

<sup>۳</sup>. Governance orientation

<sup>۴</sup>. Social Development

<sup>۵</sup>. Economic Management

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه<sup>۱</sup> هشت شاخص برای حکمرانی خوب معرفی کرده است، که عبارتند از: پاسخگویی، اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسؤولیت پذیری و شفافیت. نمودار ذیل به شاخص‌هایی اشاره دارد که در



صورت دستیابی به آن حکمرانی خوب در جامعه محقق می‌شود (UNESCAP<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

شکل ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب (بانک جهانی، ۲۰۱۸)

شاخص‌های حکمرانی مورد بررسی در این پژوهش مبتنی بر شش اصل حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی (۲۰۱۷) است، که در ادامه شرح داده شده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸):

۱- کنترل فساد؛ گونار میردال<sup>۳</sup> معتقد است فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است. گرچه اندیشمندان در زمینه جنبه‌های مختلف فساد و آثار آن‌ها توافق چندانی ندارند، لیکن همه آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که فساد ناشی از حکمرانی ضعیف است. بانک جهانی فساد را به عنوان سوء استفاده از اختیارات عمومی، برای منافع شخصی یا گروهی، تعریف کرده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۲- اثربخشی دولت؛ منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح و لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. یک دستگاه اداری کارآمد باید از قدرت و مهارت لازم

<sup>۱</sup>. United Nations Economic and Social Commission for Asia

<sup>۲</sup>. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific

<sup>۳</sup>. Gunnar Myrdal

برای اداره امور کشور برخوردار باشد تا از پس مشکلات هماهنگی در راه اندازی فعالیت‌های جدید برآیند (شاکری و دیگران، ۱۳۹۴). کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۳- ثبات سیاسی (فقدان خشونت)؛ مفهوم ثبات سیاسی معانی متفاوتی را شامل می‌شود که محققان مختلف تلاش کرده‌اند برای اندازه‌گیری درجه یا میزان «ثبات سیاسی» موجود، آن‌ها را در دنیای خاص خودشان بسنجند (۴۴۹: Hurwitz, ۱۹۷۳). مثلاً ثبات سیاسی از نظر آکه<sup>۱</sup> به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی است (Ake, ۱۹۷۴). هانتینگتون<sup>۲</sup> ثبات را در نهادمندی سیاسی می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۵). سریع القلم هم ثبات را مساوی با «قاعده‌مندی» می‌داند (سریع القلم، ۱۳۷۸). ایان لاستیک<sup>۳</sup>، ثبات سیاسی را به معنای قابل پیش‌بینی بودن رفتار سیاسی در آینده می‌داند (Lustick, ۱۹۷۹) و از نظر مارتین نیدلر<sup>۴</sup> کشور باثبات، کشوری است که در آن حکومت از طریق انتخابات آزاد برگزیده شده باشد و براساس قانون حکومت کند (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۴- کیفیت قوانین و مقررات؛ کیفیت قوانین و مقررات به میزان توانایی دولت در تدوین و اجرای خط-مشی‌ها و تنظیم آن‌ها در جهت حصول و بهبود توسعه بخش‌های خصوصی می‌گویند. شاخص کیفیت قوانین و مقررات، بیانگر میزان مداخله دولت در اقتصاد، سیاست تجاری و محدودیت‌های سرمایه می‌باشد. به گفته رینولدز<sup>۵</sup>: مهم‌ترین متغیر توصیفی منحصر به فرد در فرآیند توسعه اقتصادی کشورها سازمان سیاسی و تبحر مدیریتی دولت‌هاست. وظیفه‌ی اساسی دولت‌ها فراهم آوردن قانون، نظم و محافظت از حقوق مالکیت است. دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه حوزه وسیع‌تری را به لحاظ ماهیت سازمان سیاسی و ایدئولوژی و به تبع آن ترتیبات نهادی دارا هستند (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

<sup>۱</sup>. Ake

<sup>۲</sup>. Samuel P. Huntington

<sup>۳</sup>. Ian Lustick

<sup>۴</sup>. Martin Needler

<sup>۵</sup>. Reynolds

۵- حاکمیت قانون؛ حاکمیت حقوق یا قانون وقتی به وجود می‌آید که قدرت موجود و مشروع جامعه، اجرا و اعمال آن را چنان که هست تضمین کند، به عبارت دیگر اجرای قانون لزوماً می‌بایست مستقل از ارادهٔ مقنن و مجری آن باشد و حتی مقنن نیز تحت نفوذ اجرای قانون تدوین شده از جانب خود قرار می‌گیرد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

هر نظام سیاسی و حقوقی در زمینه اوصاف حاکمیت قانون در مقام پاسخگویی و ارزیابی قرار گرفته است. بی‌شک اصل حاکمیت قانون، سنگ زیرین روابط بین دولت و ملت به شمار می‌آید. به گونه‌ای که این اصل، الهام بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل قانون اساسی‌گرایی<sup>۱</sup>، قانونیت<sup>۲</sup>، صلاحیت<sup>۳</sup>، مسئولیت<sup>۴</sup>، پاسخگویی<sup>۵</sup>، کنترل قضایی<sup>۶</sup> و تفکیک قوا<sup>۷</sup> و دیگر اصول و مفاهیم مرتبط است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۶- حق اظهار نظر<sup>۸</sup> و پاسخگویی؛ هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگویی است زیرا لازمه دموکراسی، داشتن یک سیستم پاسخگویی می‌باشد پاسخگویی مبنای هر جامعه‌ای است که ادعا می‌کند، دموکراتیک است. امروزه دستگاه‌های دولتی با نوعی تعارض و دوگانگی مواجه‌اند: از یکسو، در مقابل مردمان و سازمان‌های ملی خود احساس مسؤلیت می‌کنند و باید در برابر نیازهای آنان پاسخگو باشند و از سوی دیگر، الزامات بین‌المللی و نیروهای جهانی آنان را وادار به اعمال روش‌ها و شیوه‌هایی می‌کند که در عمل مغایر خواست و انتظارات شهروندان آن‌هاست (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

### حکمرانی شایسته

دولت در هر نظام اقتصادی نقش و وظیفه خاصی دارد. در نظام سرمایه‌داری این نقش به حداقل رسیده، در حالی که در نظام سوسیالیسم، دولت، مدیریت سیاست‌های کلی اقتصادی و اجتماعی را به

<sup>۱</sup>. Constitutionalism

<sup>۲</sup>. Legality

<sup>۳</sup>. Jurisdiction

<sup>۴</sup>. Responsibility

<sup>۵</sup>. Accountability

<sup>۶</sup>. Judicial Review

<sup>۷</sup>. Separation of Powers

<sup>۸</sup>. Voice



عهده داشته و حداکثر دخالت در اقتصاد را دارد. در اسلام، دولت نقش سازنده و برجسته‌ای دارد. نقش دولت، پدید آوردن وضعیتی است که مردم بتوانند مطابق هدف‌های عالیه اسلام زندگی کنند. تاریخ نشان می‌دهد که مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم (ص) مطرح بوده و در عصر خلفاء نیز بدون هیچ تردیدی ادامه داشته است. مهمترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی در صدر اسلام عبارت بودند از: تجهیز و تخصیص منابع مالی، اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار، عمران و آبادانی، حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد اقتصادی، برنامه‌ریزی برای حرکت به سمت اشتغال کامل، تأمین اقتصادی، توازن اقتصادی، حفظ استقلال اقتصادی و تأمین رفاه اقتصادی (مبارک و آذریبوند، ۱۳۸۹). زمانی دولت در زمینه اقتصادی کارا خواهد بود که بتوان به هدف دولت‌ها در مداخله اقتصادی پی برد. دولت‌ها با هدف برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی در روابط اقتصادی دخالت می‌کنند. برای دستیابی به عدالت اقتصادی در صدر اسلام چند راهکار استفاده شد:

ا. فراهم‌ساختن فرصت‌های برابر برای همه مردم در تولید و تجارت؛

ب. جلوگیری در گرد آمدن ثروت‌های حرام؛

ج. گرفتن مالیات از ثروتمندان و پرداخت آن به بینوایان (مبارک و آذریبوند، ۱۳۸۹).

کیفیت ساختار حکمرانی در زمان رسول الله نشان از جامعیت و اثربخش بودن آن دارد. همچنین در ادامه به بررسی شاخص‌های حکمرانی شایسته مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه پرداخته شده است.

### شاخص‌های حکمرانی شایسته

برای حکومت شایسته حضرت علی علیه السلام شاخص‌های بسیاری ذکر شده است که اگر این شاخص‌ها در هر حکومتی باشد، آن حکومت از نظر محتوا، شایسته است و در اصطلاح، به آن حکمرانی شایسته گفته می‌شود. اما اگر این شاخص نباشد آن حکومت غیرمطلوب و غیرشایسته خواهد بود. بنابراین، منظور از حکمرانی شایسته آن نوع حکمرانی است که این محتوا و مشخصه‌ها را داشته باشد که به طور طبیعی متفاوت از شاخص‌های حکمرانی خوب از نظر محتوا خواهد بود. درواقع، وجه فارق میان

حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته، این شاخص هاست. این دو نوع حکمرانی با این نوع شاخص ها، که تفاوت های محتوایی - نه لفظی - دارند، تمایز پیدا می کنند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

### الف. پاسخ گویی

یکی از شاخص ها پاسخ گویی است. حکمرانی شایسته پاسخ گویی را همانند حکمرانی خوب منحصر به پاسخ گویی اجتماعی نمی داند، بلکه پاسخ گویی را به عنوان یک تکلیف پیش از هر چیز، در برابر خواسته های خداوند - تبارک و تعالی - می داند؛ زیرا در حکمرانی شایسته، باید همه حرف ها، عمل ها، برنامه ها، موضع گیری ها، جنگ ها، صلح ها، رابطه ها و قطع رابطه ها، بر مبنای رهنمود مکتب و الهام گرفته از دین باشد (نهج البلاغه، خ ۱۲۶). حکومت علوی به عنوان یکی از مصادق بارز حکمرانی شایسته، این گونه بود. امام خمینی ره در این باره می فرماید:

حضرت امیر تابع اسلام است. اسلام بگوید با مسلمین جنگ کن، جنگ می کند؛ بگوید با کفار جنگ کن، جنگ می کند. وقتی بنا باشد یک طایفه ای از مسلمین، اینها توطئه کردند برای اینکه اسلامی که می خواهد متولد بشود این را از بین ببرند و یک دسته دیگر را هم اغفال کردند دنبال این معنا، تکلیف حضرت امیر علیه السلام است که شمشیر را بکشد و در سه جنگ با مسلمین، کسانی که اظهار اسلام می کردند و فریاد اسلام می کشیدند و همه شان هم از صدام مسلمان تر بودند، شمشیر بکشد و در سه جنگ، با مسلمانان جنگ بکند، برای اطاعت امر خدا و برای حفظ اساس اسلام (موسوی خمینی، صحیفه، ج ۱۹، ص ۱۳۶).

در جای دیگر می فرماید:

آنهایی که حضرت امیر را - به خیال خودشان - نصیحت می کردند که شما یک مدتی معاویه را بگذارید در حکومت شما باشد و بعد که پایه حکومت شما قوی شد، آن وقت او را رد می کنید، به هیچ یک از آن حرف ها اعتنا نکردند، و حجتشان هم این بود که یک نفر آدمی که بر خلاف موازین الهی رفتار می کند و ظلم را در بلاد راه می اندازد، من حتی یک آن هم نمی توانم که او را حاکم قرار دهم، بلکه اگر حاکم قرار می دادند، این حجت می شد بر اینکه می شود یک فاسقی هم از طرف ولی امر حاکم باشد (همان، ج ۳، ص ۱۹۸).

بنابراین، از نظر ایشان، پاسخ‌گویی ابتدا در برابر خداوند و دین الهی و سپس در برابر جامعه و افراد آن مطرح است. پاسخ‌گویی به این معنا، حکمرانی شایسته را از حکمرانی خوب متمایز می‌کند؛ زیرا حکمرانی خوب با توجه به مبانی اومانستی که دارد، پاسخ‌گویی را تنها در قبال جامعه و افراد آن ضروری می‌داند، اگرچه این پاسخ‌ها با مبانی ارزشی دینی سازگاری نداشته باشند (حسینی تاش و وائق، ۱۳۹۳). نکته بسیار مهم دیگر در سیره حکومتی امام علی علیه السلام این است که امام وظیفه پاسخ‌گویی را یک وظیفه عمومی می‌داند که شامل تمامی مدیران در تمامی سطوح و حتی شامل مقام امام معصوم نیز می‌شود؛ یعنی حتی خود را نیز به عنوان رأس هرم قدرت در حکومت اسلامی، مسئول و پاسخ‌گو می‌شمارد. علت پاسخ‌گویی در حکومت علوی، نامه امام به عبدالله بن عباس، کارگزار امام در بصره، است که می‌فرماید: ابوالعباس! خدایت بیامرزاد. در آنچه بر زبان و دست تو جاری می‌گردد، خوب باشد یا بد، کار را به مدارا کن، که من و تو در مسئولیت کاری که انجام می‌دهی شریکیم (نهج البلاغه، ن ۱۸).

شهید مطهری درباره پاسخ‌گویی اجتماعی می‌فرماید: در منطق این کتاب شریف (نهج البلاغه)، امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول (پاسخگو) در برابر آنهاست (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۲۸).

### ب. قانون مداری

یکی از شاخص‌های حکومت علوی قانون مداری یا حاکمیت قانون است. منظور از قانون مداری، اعمال قوانین الهی در همه عرصه‌ها و بر همه افراد است (نهج البلاغه، خ ۹۲)؛ زیرا اگر قانون حاکم باشد هیچ صاحب حقی از تباه شدن حقیش نخواهد ترسید، و هیچ زورمندی در سایه زر و زور خویش نخواهد توانست از چنگ قانون بگریزد. احساس امنیت در جامعه، از نشانه‌های حاکمیت قانون است. حضرت امیر علیه السلام در برابر اصرار آنان که از او می‌خواستند خلافت را بپذیرد، بر این مسئله تأکید می‌کردند که حکومت او حکومت قانون است و به هیچ توصیه‌ای، درخواستی، افزون خواهی و امتیازطلبی گوش نخواهند داد و آنچه را قانون خداست عمل خواهند کرد، هرچند برخی را خوشش نیاید و رنجیده شوند (محدثی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰).

امام خمینی ره نیز درباره این شاخص می فرماید: زمان امیرالمؤمنین هم قانون حکم می کرد، امیرالمؤمنین مجری بود. همه جا باید این طور باشد که قانون حکم کند؛ یعنی خدا حکم بکند، حکم خدا (موسوی خمینی، صحیفه، ج ۱۱، ص ۱۷۱). ایشان همچنین می فرماید:

در اسلام، آن چیزی که حکومت می کند یک چیز است و آن قانون الهی است، پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله هم به آن عمل می کرده است، خلفای او هم به همان عمل می کردند. حالا ما موظفیم که به همان عمل کنیم؛ قانون حکومت کند. شخص هیچ حکومتی ندارد؛ آن شخص ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد. شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام، قانون است؛ همه تابع قانونند. (همان، ج ۱۰، ص ۲۹)

در جای دیگر می فرماید:

حکومت رسول الله و حکومت امیرالمؤمنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است. آنها به حکم قانون، واجب اطاعة هستند. پس حکم از آن قانون خداست، و قانون خدا حکومت می کند (همان، ج ۷، ص ۲۰۱).

تفاوت اساسی حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب در مبانی قانون گذاری است که امام علی علیه السلام قانون و قانون گذاری را منحصر به خداوند یا کسانی می داند که از طرف خداوند باشند (پیامبران و امامان علیهم السلام و ولی فقیه)، و حکم رانان را تنها مجری آنها می شمارند. از این رو، امام می فرماید: بی گمان، امام را مسئولیتی جز آنچه پروردگار بر دوشش نهاده نیست؛ ابلاغ و بیان پند، تلاش در ارائه رهنمودها، زنده کردن و زنده داشتن سنت، اجرای حدود الهی بر کسانی که سزاوارش باشند، و دادن سهم های بیت المال به کسانی که اهل آن هستند (نهج البلاغه، خ ۱۰۵).

اما حکمرانی خوب قانون و قانون گذاری را منحصر به مردم یا نمایندگان آنها، بدون توجه به خدا و اولیای خدا می داند. این نوع قانون که در حکمرانی خوب مشروعیت دارد، در حکمرانی شایسته مشروع نیست و نمی توان افراد جامعه را ملزم به اطاعت از آن نمود؛ زیرا در این زمینه، همیشه این سؤال وجود خواهد داشت که چرا ما به قوانینی که دیگران تدوین نموده اند گردن نهیم؟ ولی این سؤال درباره قوانینی که منشأ الهی دارند، مطرح نیست؛ زیرا خداوندی که انسان را آفرید و او را تربیت و مدیریت می کند، این حق

را نیز دارد که برای رفاه حال او در دنیا، و سعادت او در آخرت، قوانینی متناسب حال او وضع کرده، آن را توسط افراد معین اجرا نماید (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

### ج. شفافیت

یکی از شاخص‌های حکومت علوی، شفافیت است. منظور از شفافیت این است که اطلاعات لازم به آگاهی مردم رسانده شود و آنان در جریان انجام کارها قرار بگیرند. با توجه به این شاخص، برخی محققان می‌گویند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳):

سیاست امام علی علیه السلام اعلام برنامه‌ها و علنی ساختن تصمیماتش بود. هر تصمیمی که گرفته می‌شد به مردم اطلاع می‌داد، به طوریکه اگر شخصی وارد جامعه اسلامی می‌شد، می‌توانست در اندک مدتی شیوه حکومتی امام را درک کند، و با برقرار ساختن ارتباط میان اجزا و چارچوب‌های آن، به شکلی منطقی از حکومت دست یابد و مهم‌تر از آن، به تطبیق میان واقعیت‌ها و آنچه به صورت تئوری و نظریه در مورد حکومت از سوی منابع دینی ارائه شده است، بپردازد (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

امام علی علیه السلام با توجه به این شاخص، می‌فرماید:

بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را، و کاری را بی مشورت شما نکنم، جز اجرایی حکم خدا. حقی را که از آن شماست از موعد خود به تأخیر نینفکنم، و تا به انجامش نرسانم از پای ننشینم، و حق شما را به تساوی دهم (نهج البلاغه، خ ۵۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، خدا محوری در تعریف و تبیین شاخص شفافیت نیز نقش دارد؛ یعنی در تبیین شفافیت امور حکومتی نیز اراده خداوند نقش اساسی دارد. آنچه را خداوند دستور دهد که به صورت شفاف ابلاغ شود، حکم رانان در حکمرانی شایسته وظیفه دارند ابلاغ کنند، و اگر ابلاغ نکنند سرزنش می‌شوند. از این رو، خداوند به پیغمبر صل الله علیه و آله دستور می‌دهد که حکمرانی حضرت علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کن، و اگر ابلاغ نکنی رسالت را به اتمام نرسانده ای (مائده: ۶۷). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که رسول خدا صل الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود در امر حکومت، در روز هجدهم ذی حجه در منطقه غدیر خم به صورت شفاف اعلام نمودند.

اما در حکمرانی خوب بدون توجه به دستورات الهی، حکم رانان وظیفه دارند جریان امور به اطلاع مردم برسانند، چه مرضی خداوند باشد یا نباشد، چه به مصلحت مردم باشد یا نباشد. در حکمرانی شایسته

مصالح عمومی شرط اساسی در اجرای شاخص شفافیت است؛ مثلاً، در امور نظامی، به دلیل مسائل امنیتی، لزومی ندارد که تمام آنچه در اداره جامعه نقش دارد به مردم گفته شود (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

#### د. کارایی و اثربخشی

یکی از مشخصه های حکمرانی شایسته، کارایی و اثربخشی است. حضرت علی علیه السلام برای کارایی و اثربخشی حکمرانی شایسته سه معیار ذیل را ذکر نموده اند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳):

اول. امام به مالک اشتر دستور می دهند که مالیات را از مردم جمع آوری نموده، از آن برای آباد سازی شهرها استفاده کند (نهج البلاغه، ص ۱۸)؛

دوم. مالیات وقتی از مردم گرفته می شود که توسعه و آبادانی کشور امکان مالیات گیری را فراهم ساخته باشد (همان، ن ۵۳). هر حکومتی که از مردم در شرایطی مطالبه مالیات کند که از رونق و آبادانی در جامعه خبری نیست، با این کار خود، شهرها را ویران و مردم را نابود خواهد کرد و حکومتش چندان دوام نخواهد آورد (همان).

سوم. از تمامی منابع به صورت عام و از منابع مالیاتی به صورت خاص استفاده بهینه نموده، از اسراف و زیاده روی پرهیز کند. امام علی علیه السلام می فرمایند: (در مکاتبات اداری که با یکدیگر دارید) نوک قلم هایتان را تیز کنید و فاصله سطرها را کم نمایید! از زیاده روی و اسراف (حتی در اموری اینچنین) بپرهیزید تا مخارج اضافی بر بیت المال تحمیل نشود (نهج البلاغه، ص ۲۰).

#### ه. مبارزه با فساد

یکی از شاخص های حکمرانی شایسته، مبارزه با فساد است. فساد یعنی: سوء استفاده از قدرت یا اعتماد عمومی در جهت منافع شخصی. امام علی علیه السلام همیشه با این شیوه عمل کارگزاران، که از موقعیت حکومتی خود سوء استفاده می نمودند، مبارزه کرده، می فرمودند: نباید در آنچه متعلق به عموم مردم است، برای خود حق ویژه ای قایل باشی (همان، ص ۲۱). یا خطاب به والی بصره می فرمایند: به خدا قسم، اگر بفهمم در اموال مسلمانان خیانت کرده ای چه کم و چه زیاد، آنچنان بر تو سخت خواهم گرفت که اندک مال و تنگ دست شوی و خوار و پریشان حال گردی (همان، ص ۲۱). ایشان با توجه به این

شاخص به‌عقیل، برادرشان که بارها برای کمک نزد ایشان رفت، مساعدت لازم را نکردند. اشراف کوفه هم به علت آنکه امام میان آنان و عاّمه مردم در پرداخت بیت المال تمایزی قایل نشدند، از حضرت کناره‌گیری کردند و به معاویه روی آوردند. تمامی اقدامات امام علی علیه السلام در جهت مبارزه با فساد در حکومت علوی به شمار می‌آید (آرایی، ۱۳۸۸، ص ۴۹). امام علی علیه السلام آنچه را خلیفه سوم تیول بعضی کرده بود، به مسلمانان بازگردانیدند و فرمودند: به خدا، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را بازمی‌گردانم، که در عدالت‌گشایش است، و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر می‌یابد (نهج البلاغه، ص ۴۸).

امام علی علیه السلام یکی از مهم‌ترین راه‌کارها برای مبارزه با فساد اداری را افزایش حقوق و دست‌مزد دانسته، می‌فرماید: به کارمندان خود برس و رزق و روزی آنان را فراوان کن؛ چرا که آنان با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بهتر خواهند کوشید و از دستبرد به اموالی که در اختیارشان است، خودداری خواهند نمود. در این صورت است که اگر از دستور تو سرپیچی نموده، در امانت خیانت کنند، تو پیشاپیش حجت را بر آنها تمام کرده‌ای (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

#### جدول ۲. مقایسه حکمرانی شایسته و حکمرانی خوب

| ردیف | شاخص      | حکمرانی خوب   | حکمرانی شایسته   | شبهات  | تفاوت  |
|------|-----------|---|--|--|--|
| ۱    | پاسخ‌گویی | دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برابر همدیگر و مجموعاً در | دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و آحاد اجتماعی در برابر همدیگر و خداوند | هر دو ساختار خود را پاسخگو می‌دانند و معتقد هستند که اصالت حاکمیت مربوط به | در حکمرانی خوب، دولت به مردم باید پاسخگو باشد زیرا اصالت وجودی دولت برگرفته از وجود شهروندان و برای انجام وظایف آنان است ولی در حکمرانی شایسته، دولت باید در |

|   |                |  |   |  |                              |
|---|----------------|--|---|--|------------------------------|
|   |                | برابر<br>شهروندان  | (سیحانی،<br>۱۳۸۲)   | دولت نیست<br>بلکه متعلق به<br>یک نهاد دیگر<br>است.   | برابر خداوند پاسخگو<br>باشد. |
| ۲ | قانون<br>گرایی | پایبندی به<br>قوانین الهی و<br>قوانین مصوب<br>قوه مقننه که<br>مبتنی بر<br>قوانین الهی<br>است (مصباح،<br>۱۳۸۲)              | هر دو ساختار<br>حکمرانی از<br>سلسله ای<br>از قوانین و<br>مقررات تبعیت<br>می کنند. | در حکمرانی خوب، دولت<br>موظف به تبعیت از<br>قوانینی است که توسط<br>نهادهای دیگر مانند قوه<br>مقننه یا خود دولت<br>تصویب شده اند می باشد<br>اما در حکمرانی شایسته،<br>دولت موظف به تبعیت از<br>قوانینی است که برگرفته از<br>شرع و قانون الهی است. |                              |
| ۳ | شفافیت         | آزادی جریان<br>اطلاعات که<br>مبتنی بر<br>راست گویی و<br>صداقت بوده،<br>و تضمین<br>کننده رشد و<br>کمال انسان<br>باشد (ناظمی | شفافیت و<br>آزادی جریان<br>اطلاعات در<br>هر دو نوع<br>حاکمیت<br>پسندیده<br>است.   | در ساختار حکمرانی<br>خوب، دسترسی آزاد<br>شهروندان به جریان<br>اطلاعات غایت مطلوب<br>است اما در ساختار<br>حکمرانی شایسته،<br>صداقت و راستگویی غایت<br>مطلوب است و دسترسی<br>به جریان اطلاعات یک   |                              |

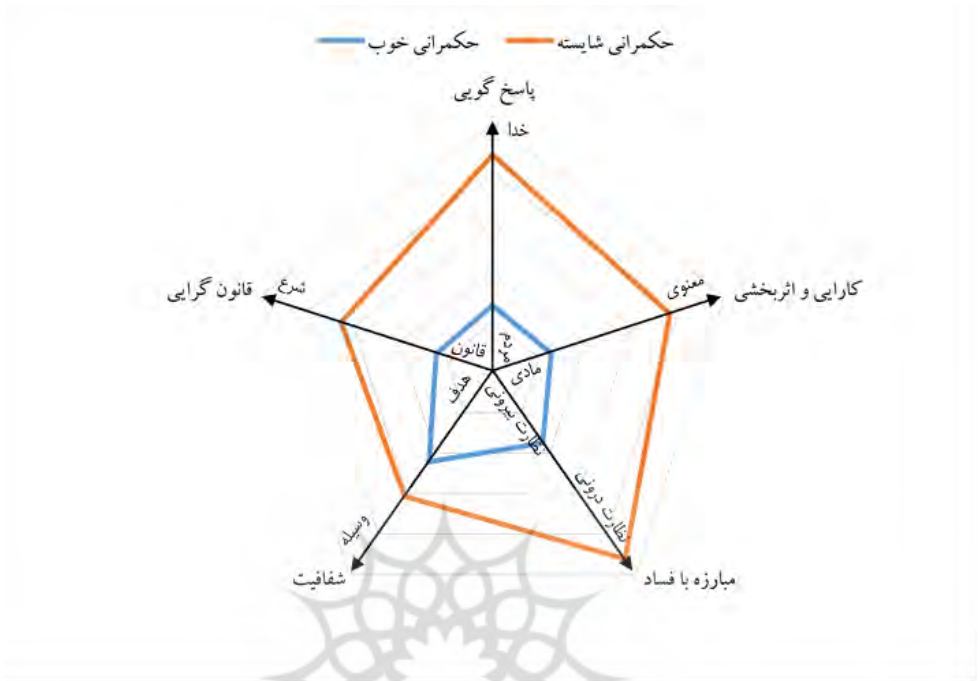


|  |  |  |   |                       |          |
|--|--|--|---|-----------------------|----------|
| <p>وسیله برای تضمین بر صداقت مسئولان است و خود هدف نیست.</p>   |  | <p>اردکائی،<br/>۱۳۸۷</p>   |   |                       |          |
| <p>روش مبارزه با فساد در حکمرانی خوب، نظارت بیرونی از طریق ساختار نظارتی و بازرسی است که یک روش خوب است اما ضمانت اجرایی کمی دارد زیرا نمی‌توان دائماً و همزمان بر عملکرد همه افراد دولتی نظارت داشت ولی در حکمرانی شایسته، بحث حلال و حرام و نظارت خداوند مطرح می‌شود که ریشه فردی در عملکرد افراد دارد و خداوند در هر جا و هر لحظه ناظر بر اعمال و رفتار افراد است. پس یک سیستم نظارتی فوق العاده پیچیده و قوی بر عملکرد افراد نظارت دارد.</p> | <p>در هر دو نوع حکمرانی، مبارزه با فساد مطلوب است و باید با فساد مبارزه شود.</p> | <p>استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام (ناظمی) اردکائی،<br/>۱۳۸۷</p> | <p>استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی</p> | <p>مبارزه با فساد</p> | <p>۴</p> |

|  |   |   |  |                         |          |
|--|---|---|--|-------------------------|----------|
| <p>در حکمرانی خوب، ظرفیت های مادی برای نشان دادن اثربخشی مورد بررسی قرار می گیرد اما در حکمرانی شایسته، استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی بطور کامل مطلوب است.</p> | <p>هر دو بر استفاده بهینه از آنچه در اختیار انسان است اشاره دارند و حداکثر سازی و جلوگیری از اتلاف منابع را مطلوب می دانند.</p> | <p>استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی به طور کامل (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳)</p> | <p>استفاده از ظرفیت های مادی به طور کامل</p> | <p>کارایی و اثربخشی</p> | <p>۵</p> |
|--|---|---|--|-------------------------|----------|

همانطور که مشخص شده است، هر یک از شاخص های حکمرانی خوب در زیر شاخه حکمرانی خوب از منظر غربی و حکمرانی شایسته، دارای تفاوت های ماهوی هستند.

در شکل زیر به بررسی دو نوع حکمرانی خوب و شایسته بر اساس عملکرد هر یک روی نمودار راداری



پرداخته شده است.

## شکل ۲. بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته

همانطور که مشخص شده است، بیشترین افتراق بین دو نوع حکمرانی در پاسخگویی است. همچنین در مبارزه با فساد نیز بین دو نوع حکمرانی اختلاف عمده‌ای وجود دارد. اما در شفافیت و قانون‌گرایی اختلاف کمتری بین دو نوع حکمرانی وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی دو نوع حکمرانی خوب و شایسته بر اساس فرمایشات حضرت امیر در نهج البلاغه پرداخته شد. سعی شد بررسی صورت‌گرفته بر اساس شاخص‌های حکمرانی صورت‌گیرد تا یک بررسی مقایسه‌ای بین این دو نوع حکمرانی انجام شود. بر اساس نتایج بررسی صورت‌گرفته مشخص شد که تفاوت‌های عمده‌ای از نظر ماهوی بین دو نوع حکمرانی وجود دارد. از این نظر که اگرچه به

ظاهر از نظر اسمی شاخص های هر دو حکمرانی مشترک است اما از نظر معنایی و وجودی، بین دو گروه از شاخص ها، تفاوت عمده ای وجود دارد. به منظور درک بهتر از تفاوت موجود، با استفاده از نمودار راداری تفاوت بین دو نوع حکمرانی روی نمودار شاخص ها نمایش داده شد.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می شود که به جای استفاده از ظاهر شاخص های غربی، عمق شاخص های موجود در متون اسلامی و فحوای دینی غنی موجود همچون قرآن، نهج البلاغه و سیره معصومین علیهم السلام، مورد استفاده قرار گیرد و نوع حکمرانی در کشور، به سمت حکمرانی شایسته پیش رود. بر همین اساس به دولتمردان کشور پیشنهاد می شود:

- تلاش برای فهم عمیق تر مفاهیم اسلامی و دینی و استفاده واقعی از شاخص های مطرح شده در این متون.

- یکی از مشکلات امروزی کشور، گرفتار ظواهر دینی و عدم بهره گیری از باطن آن است. آنچه به عنوان شاخص های اسلامی مطرح شده است، به هیچ وجه در نهج البلاغه مطرح نشده است. به عنوان مثال، نوع پوشش و لباس یا مواردی از این دست، شاخص حکمرانی نیست بلکه ترس از خدا و پاسخگویی به خدا و نگاه به پست دولتی به عنوان یک امانت و امتحان الهی است که می تواند موجب شکل گیری مفهوم حکمرانی شایسته شود. از همین رو پیشنهاد می شود که دولتمردان باطن حقیقی شاخص ها را فدای ظاهر غیرحقیقی آن نکنند.

- پیشنهاد می شود سیاستگذاری منسجمی برای توسعه سرمایه انسانی متناسب با شاخص های مطرح شده در نهج البلاغه ایجاد شکل گیرد تا سازمان های دولتی، سرمایه انسانی خود را که پایه پیاده سازی و بکارگیری سیاست هاست، همسو با شاخص های حکمرانی شایسته انتخاب نمایند.

- پیشنهاد می شود مسئولان اقدامات مربوط به شفافیت را ابتدا از اصلاح فعالیت های خود آغاز کنند و سپس جریان آزاد اطلاعات در مسیر درست خود قرار می گیرد. زیرا جریان اطلاعات آزاد و شفافیت از منظر حکمرانی شایسته، وسیله ای برای اصلاح اقدامات مسئولان است و خود هدف نیست.

## منابع

نهج البلاغه

آرایی، وحید، ۱۳۸۸، حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی گزارش، ش ۶، ص ۴۹.  
 آهنی، منا؛ جواد سیاهکالی مرادی؛ سیدعلی ایازی و فرزانه خسروانی، ۱۳۹۷، بررسی ساختار و روابط بین شاخص‌های حکمرانی خوب، دومین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری عمومی، تهران، پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف.

پور آقایی، سپیده، ۱۳۸۳، شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی، گزارش، ش ۱۵۴، ص ۶۲.  
 حسینی تاش، سید علی و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی سال سوم بهار و تابستان، ۲(۸)، ۱۸۰-۱۹۵.

حسین زاده بحرینی، محمد حسین ۱۳۸۳، بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام، دفتر بررسی‌های اقتصادی، ص ۱۶.  
 حق پناه، رضا، فلسفه مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ص ۱۱۵.

رهنورد، فرج‌الله، مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت، ۱۳۸۸.

ساعی، علی و کبیری، افشار. (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی: مطالعه بین‌کشوری با رویکرد فازی از سال ۲۰۰۸-۲۰۰۰، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۸، صص ۶۱-۶۵.

ساعی، علی؛ روشن، تینا. (۱۳۸۹). تحلیل درک کیفیت حکمرانی در ایران، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۶۷-۱۸۵.

سالارزهی، حبیب‌اله و ابراهیم‌پور، حبیب. (۱۳۹۱). بررسی سیر تحول در پارادایم مدیریت دولتی، از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۴، شماره ۹، صص ۴۳-۶۲.

سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، اصول سیاست در سیره عملی امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ش ۲۵، ۷- ۴۱، ص ۱۱۷.

سروش، محلاتی محمد، ۱۳۸۰، اهداف و آرمان های حکومت، قبسات، ش ۲۰ و ۲۱، ز ص ۴۸-۵۶.  
سریع القلم، محمود. (۱۳۷۸). ثبات سیاسی و توسعه سیاسی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶، صص ۴-۱۱.

شاکری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد؛ کریمی موغاری، زهرا. (۱۳۹۴). ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۱.

شریف زاده، فتاح، رحمت الله قلی پور، ۱۳۸۲، حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ش ۴، ص ۴۸.۵۶.

صوفی مجیدپور، مسعود، ۱۳۸۳، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، ش ۸۷، ص ۱۱۴.

عباس زادگان، محمد. (۱۳۸۰). مدیریت بر سازمان های نا آرام، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.  
کمیحانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱-۵.

محدثی، جواد، ۱۳۷۹، حکومت علوی از نگاه امام خمینی ره، حکومت اسلامی، ش ۱۸، صص ۲۶۳-۲۷۹.  
مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، کاوش ها و چالش ها، تحقیق و نگارش، محمد مهدی نادری و سیدابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ص ۸۷.

میدری، احمد، جعفر خیر خواهان، ۱۳۸۳، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

نادری، محمد مهدی، ۱۳۹۰، حکمرانی خوب معرفتی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۱، صص ۶۹-۹۳.

ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۷، حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۱۳۶ بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه  
هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). درک توسعه سیاسی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران،  
انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یگانگی، سیده عاطفه؛ الوانی، سید مهدی؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۹۵). اولویت‌بندی شاخص-  
های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا، نشریه رسالت مدیریت دولتی، دوره ۷، شماره ۲۱، ص ۹-۱.

Ake, Claude. (۱۹۷۴). Modernization and Political Instability, *World Politics*, V. ۲۶, N. ۴.

Börzel, T. A., & Grimm, S. (۲۰۱۸). Building Good (Enough) Governance in Postconflict Societies  
& Areas of Limited Statehood: The European Union & the Western Balkans. *Dædalus*, ۱۴۷(۱),  
۱۱۶-۱۲۷.

Grindle, M. S. (۲۰۱۷). Good governance, RIP: A critique and an alternative. *Governance*, ۳۰(۱),  
۱۷-۲۲.

Hurwitz, Leon. (۱۹۷۳). Contemporary Approaches to Political Stability, *Comparative Politics*, V.  
۵, N. ۳.

Huther, J., & Shah, A. (۲۰۰۰). Anti-corruption Programs and Policies: A Framework for  
Evaluation. *World Bank Policy Research Working Paper Series*, (۲۵۰۱).

Kaufman, D., Kraay, A, and Mastruzzi, M. (۲۰۰۹). Governance Matter IV : Governance Indicator  
for ۱۹۹۶-۲۰۰۹.

Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (۲۰۰۲). Governance Matters II: Updated Indicators  
for ۲۰۰۰-۰۱. *World Bank Policy Research Working Paper*, (۲۷۷۲).

Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart. (۲۰۱۷). World Bank: The Worldwide Governance Indicators  
(WGI), ۱۹۹۶-۲۰۱۶.

Kufmann , D., Kraay, A & Mastruzzi, M. (۲۰۱۰). The Worldwide Governance Indicators  
Methodology and Analytical Issues, The world bank, Development Research Group, pp ۱-۲۸.

Kufmann, Daniel and Kraay, Aart, (۲۰۰۲). Governance Without Governance, *World Bank Policy  
Research Working Paper*, No. ۲۹۲۸.

Leftwich, A. (۱۹۹۳). Governance, democracy and development in the Third World. *Third World Quarterly*, ۱۴(۳), ۶۰۵-۶۲۴.

Lustick, I. (۱۹۷۹). Stability in deeply divided societies: consociationalism versus control. *World Politics*, ۳۱(۳), ۳۲۵-۳۴۴.

Needler, M. C. (۱۹۶۸). Political development and socioeconomic development: the case of Latin America. *American Political Science Review*, ۶۲(۳), ۸۸۹-۸۹۷.

OECD, (۲۰۰۲). Governance for Sustainable Development: Five OECD Case Studies. OECD publication.

Patomäki, H. (۱۹۹۹). Good governance of the world economy?. *Alternatives*, ۲۴(۱), ۱۱۹-۱۴۲.

Rajkumar, A & Swaroop, V. (۲۰۰۷). Public Spending and Outcomes: Does governance matter, *Journal of Development Economics*, Vol ۸۶, ۲۰۰۷, PP ۹۶-۱۱۱.

Rindermann, H., Kodila-Tedika, O & Christansen, G. (۲۰۱۵). Cognitive Capital, Good Governance, and the Wealth of Nations, *Original Research Article Intelligence*, Vol ۵۱, July-August ۲۰۱۵, PP ۹۸-۱۰۸.

Rotberg, R. I. (۲۰۱۴). Good governance means performance and results. *Governance*, ۲۷(۳), ۵۱۱-۵۱۸.

The World Bank Group. (۲۰۱۷). World Bank: The Worldwide Governance Indicators (WGI) Project, ۱۹۹۶-۲۰۱۶. <http://info.worldbank.org>.

UN ESCAP. (۲۰۰۹). What is Good Governance, Online at <http://www.unescap.org/resources/what-good-governance>

UNDP, (۲۰۰۰). What is good Governance, at PAPP List of projects contact us, online at <http://www.Papp.Undp.Org.governance/about.HTM>.

UNDP, Governance for Sustainable Human Development, (۱۹۹۷). A UNDP policy paper.



Weiss, T., G. (۲۰۰۰). Governance. Good Governance and Global Governance, Conceptual and Actual Challenges. *Third World Quarterly* ۲۱(۵), ۷۹۵-۸۱۵.

Woods, N. (۲۰۰۰). The challenge of good governance for the IMF and the World Bank themselves. *World development*, ۲۸(۵), ۸۲۳-۸۴۱.

World Bank Report. (۲۰۱۸). *Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank, Poverty Reduction and Economic Management Network*, Washington DC.

World Bank. (۲۰۱۸). *Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth*.



## شاخص های انتخاب کارگزاران در جامعه اسلامی از منظر امام علی (ع)

محمد رضا اخی

عرفان چولکی

چکیده.

در دنیای امروز موفقیت و شکست حکومت ها در رسیدن به اهداف و آرمان های خود در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... بیش از آنکه منوط به داشتن منابع و ثروت های انسانی، طبیعی و سرزمینی باشد، متأثر از شیوه مدیریت کشور است. این مهم اهمیت نقش کارگزاران کشور در پیروزی ها و شکست ها، سازندگی ها و ویرانگری ها، و در نهایت رشد و تکامل کشور را بخوبی نشان می دهد. برای تحقق این امر مهم که همان انتخاب افراد اصلح از همه ابعاد برای حکمرانی می باشد، بایستی معیارهایی در این خصوص تعیین، تا مدیران و کارگزاران بر اساس آن گزینش و مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. با بررسی حکومت ها در طول تاریخ، تنها مرجع معتبر در این مورد، حکومت علوی که یکی از دوران طلایی و قابلیت الگوبرداری در تاریخ حکمرانی در جوامع انسانی می باشد که بهترین الگو برای این تحقیق به منظور شناسایی شاخص های لازم برای انتخاب کارگزاران در جامعه اسلامی باشد از این رو در این پژوهش، با مطالعه نامه ها، خطبه ها و حکمت های آن حضرت در نهج البلاغه بر اساس روش کتابخانه ای در جمع آوری اطلاعات و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفت.

**کلیدواژگان:** امام علی (ع)، نهج البلاغه، کارگزار، شاخص ها

**مقدمه:**

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظام های سیاسی، مسئله صلاحیت و کارآمدی کارگزاران و مدیران است. بررسی سیستم های اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان به خوبی نشان می دهد که نقش مدیران و کارگزاران صالح در پیشبرد اهداف حکومت ها تا چه حد منشاء اثر بوده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر